



می‌شود پتانسیل هم باشد

وجود یک بازار در محدوده مرکزی شهر که به‌نوعی پرتددترین نقطه برای زائران و مسافران به حساب می‌آید، آن‌هم در ساعات پایانی روز و بعد از تعطیلی مغازه‌ها، خیلی هم بی‌راه نیست و حتی به‌گفته مغازه‌داران یک پتانسیل محسوب می‌شود که به کار و کسب آن‌ها رونق می‌دهد.

بعضی‌ها نسبت به این موضوع معترض‌اند و می‌گویند: «وقتی شهرداری مانع گذاشتن اجناس ما داخل پیاده‌رو می‌شود و آن‌را سد معبر می‌داند، چطور به دست‌فروشان اجازه کار می‌دهند؛ البته شب‌بازار باعث رونق برخی از کسب‌ها شده است؛ سیرابی، اغذیه و پیتزافروشی‌ها و حتی کیوسک مطبوعات که کاروبارشان کلی رونق گرفته است.»

گفته می‌شود تا قبل از شکل‌گیری شب‌بازار در دو سمت چهارراه، بساط اولیه دست‌فروش‌ها در مسیر خیابان اصلی بوده است و بعد از آن به یک سمت چهارراه منتقل شده است که از عمر آن بیش از ۱۰ سال می‌گذرد.

بیش از ۱۰۰ غرفه، فضای بزرگی را در سمت دانش شرقی اشغال کرده که عمر بازارش طولانی‌تر است. کسبه قدیمی‌ترند و همه چیز برای فروش دارند، از بدلیجات و دکوری منزل گرفته تا عینک آفتابی، لوازم آشپزخانه، لباس، اسباب‌بازی کودک، روسری، کیف، کفش و....

فروشنده‌ها لباس‌های فرم یک‌دست سازمان میادین را پوشیده‌اند و متمایز و مشخص‌اند. به‌گفته آن‌ها هزینه و اجاره غرفه به شبی ۱۳ تا ۱۴ هزار تومان می‌رسد.

یکی از فروشندگان توضیح می‌دهد: «مجوزهای این غرفه‌ها یک‌ساله است و اجاره آن‌ها سال به سال پرداخت می‌شود، در حالی که بیشتر فروشندگان بازار آن سمت خیابان، قبضی کار می‌کنند و اجاره را شب‌به‌شب می‌پردازند.»

مامور انتظامات در حال گشت‌زنی است و این موضوع خیال غرفه‌داران را راحت می‌کند که بازار با اینکه دروپیکر ندارد، اما امنیتش برقرار است.

از کسادی بازار

دست‌فروشی شدم

برخی از فروشندگان تولیدکننده‌اند و تولیدات خودشان را آورده‌اند. با تجربه کاری که از چندسال حضورشان در بازار به دست آورده‌اند، فروش خوبی دارند، مثل یکی از تولیدکنندگان کیف که خم‌و‌چم بازار و نوع سلیقه مسافر دستش آمده است؛ اما بیشتر آن‌ها از تولیدکنندگان بزرگ خرید می‌کنند و آن را به دست مشتری می‌دهند. مسافت برخی از دست‌فروش‌ها هم تا شهر طولانی است، مثل جوان ۳۱ ساله‌ای که می‌گوید: «خرج ۸ نفر را از درآمد تسبیح‌فروشی همین بازار درمی‌آورم و تا قبل از انتخاب این شغل، کشاورش بودم. کسادی بازار مجبورم کرده که دست‌فروشی کنم.»

از آن طرف بینالود می‌آید. تسبیح‌ها را که دسته‌دسته روی میز می‌چیند، می‌گوید: «خودم از بازار رضا می‌خرم و با سود جزئی به دست زائران می‌دهم. شبی ۸ هزار تومان پول مکان می‌دهم و چیزی که دست‌م را می‌گیرد، خیلی خیلی زیاد که باشد ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان برای یک شب است.»

می‌گوید: «مادرم یک ماشین مدل پایین خریده و همان عصای دستم است. معمولاً ۲ یا ۳ با مادام که کارم تمام می‌شود به بینالود برمی‌گردم.» با اینکه خودش را معرفی نکرده و قصد آن را هم ندارد. التماس می‌کند که نکند حرف‌زدن او باعث شود شهرداری همین فرصت کوچک را هم از آن‌ها بگیرد. تا خیالش را راحت نکنیم، سرکارش برنمی‌گردد.

زوج دست‌فروش در شب‌بازار

برخی خانوادگی دست‌فروشی می‌کنند، شبیه مرد میان‌سالی که کیف می‌فروشد و همسرش که در کار گل‌سرو و تاج... است. یک سبد کوچک غذا و چای کنارشان دارند و هر جای کار که می‌مانند، به هم کمک می‌کنند.

مرد که کیف‌فروشی می‌کند و از وضعیت نابه‌سامان بازار گلایه‌مند است، می‌گوید: «کیف‌ها را از تولیدکنندگان بازار دریای طلاب می‌خرم، با ۱۰۰۰ تومان سود دست مشتری می‌رسانم. علاوه بر این شبی هزینه مکان و برق باعث می‌شود چیزی دستگیرمان نشود.» او با اشاره به دست‌فروش‌هایی که فضای میانی بازار را گرفته‌اند، می‌گوید: «ببینید قرار گرفتن فروشنده‌ها در سه‌ردیف، جایی برای رفت‌وآمد نمی‌گذارند. حالا فکر کنید با این اوضاع، برق هم برود؛ با این شلوغی چه اتفاقی می‌افتد؟»

دست‌فروشی در نوجوانی

البته بین این همه دست‌فروش نوجوان‌های ۱۰-۱۲ ساله هم خیلی به چشم می‌آیند. بعضی‌ها برای کمک به خرج خانواده برای فصل مدرسه و مخارج تحصیلشان آمده‌اند و برخی هم آمده‌اند تا کار یاد بگیرند. امید که ۱۲-۱۳ ساله به‌نظر می‌رسد و پیراهن زنانه می‌فروشد، می‌گوید: «این‌ها را پدرم برایم می‌خرد و هزینه جارا هم به‌عهده گرفته و با این کار می‌خواهد من فروشنده‌گی یاد بگیرم.» امید مشتری زیاد دارد و به‌نظرش کار را خوب یاد گرفته، هر چند تجربه، اصل کار است و او هنوز راه بلندی را در پیش دارد.

زمستان، بازار از رونق می‌افتد

حسن مجد، تجربه سال‌ها دست‌فروشی را دارد و می‌گوید: «در گذشته محل بساط دست‌فروش‌ها از فلکه آب تا چهارراه دانش بود و من هم در این راسته بودم. وضعیت مالی ام آن قدر خوب شد که یک مغازه عطرفروشی در همین محدوده اجاره کردم و سرمایه خوبی هم به دست آوردم، اما همه آن‌ها را در یک‌سهم از دست دادم و دوباره به نقطه اول برگشتم و حالا از صفر شروع کرده‌ام.»

مجد می‌گوید: «رونق این بازار فقط به سه‌ماه تابستان و حضور زائران در مشهد است و بعد از

آن خریدار زیادی ندارد.»

یکی دیگر از فروشندگان که لباس راحتی می‌فروشد و ۶ سال تجربه کاری در همین محدوده را دارد، حرفش را تأیید می‌کند و می‌گوید: «رونق کار تا آخر شهریورماه است و سرما که برسد مشتری هم کم می‌شود.»

بازارهای سیار

زیرمجموعه سازمان میادین

مهندس شهریار ناظری، معاون اجرایی سازمان میادین، از فلسفه ایجاد بازارهای سیار در فضای شهری می‌گوید: «به‌منظور ساماندهی و جمع‌آوری دست‌فروش‌های منتهی به حرم مطهر و رفع سد معبر از این محدوده، این بازارها پا گرفته تا نظارت بیشتر و دقیق‌تری بر آن‌ها باشد. متقاضیان برای استفاده از خدمات باید به واحد صدور مجوز مراجعه کرده و با داشتن شرایط لازم مجوز براساس هزینه‌های تعیین‌شده مصوبه شورای شهر صادر شود.»

وی ادامه می‌دهد: «بازار تقاطع دانش غربی و سمت بیمارستان «این‌سینا» و دانش شرقی به سمت ۱۷ شهریور هم بر همین مبنا پا گرفته است و روی هم‌رفته، بیش از ۲۰۰ غرفه را شامل می‌شوند.»

به‌گفته این مسئول به دلیل سابقه بیشتر بازار در ابتدای دانش شرقی و موقعیت مکانی آن، هزینه‌های پرداختی هم متفاوت از سمت دیگر بازار است و فروشندگان آن، لباس فرم سازمان را به تن دارند. سمت دیگر، دست‌فروش‌هایی هستند که به‌صورت موقت، مشغول به کار هستند و ثبت‌شده نیستند.

مهندس ناظری یادآور می‌شود: «در این بازار، مواد غذایی، به‌خاطر مشکلات بهداشتی عرضه نمی‌شود. امنیت این بازار هم توسط مأموران انتظامی مجموعه تأمین می‌شود.»

به‌گفته معاون اجرایی سازمان میادین، چون بازارها در فضای عمومی و در معبر شهری است، مشمول خدمات عمومی می‌شوند؛ با این حال سازمان برای مقابله با حریق احتمالی، کپسول‌های آتش‌نشانی هم تهیه کرده است.

البته بین این همه دست‌فروش نوجوان‌های ۱۰-۱۲ ساله هم خیلی به چشم می‌آیند. بعضی‌ها برای کمک به خرج خانواده برای فصل مدرسه و مخارج تحصیلشان آمده‌اند و برخی هم آمده‌اند تا کار یاد بگیرند.